

دسیسه شیطانی مرد همسایه برای زن جوان



به سایه دنبالم بود تا به خواسته اش برسد. وقتی دستگیر شدم تازه فهمیدم که...
شایان ذکر است، به دستور سرهنگ بیژن خنجری (رئیس کلانتری سجاد) تحقیقات قضایی برای ریشه یابی این ماجرا آغاز شد.

عاشقانه می فرستاد یا هدیه های خاصی برایش می خرید. خلاصه نفهمیدم چرا به خواسته اش تن دادم ولی به خاطر این که فرزند، زن و بچه داشت و من نمی خواستم زندگی آن زن را متلاشی کنم، تصمیم گرفتم در قبال مبلغی که به من کمک می کند، سفته هایی را به عنوان پشتوانه بدهکاری ام به او واگذار کنم چرا که یقین داشتم مدت کوتاهی آن هم به خاطر مادرم در عقد موقت او می مانم. از سوسی دیگر سفته هایی را امضا کرده بودم که چند برابر مبلغی بود که فرزندم به من کمک کرد. چهار ماه بعد از این عقد پنهانی و در حالی که مدت زمان آن یک ماه قبل به پایان رسیده بود، خواستگار مناسبی پیدا شد و با آن جوان قرار ازدواج دایمی گذاشتم اما فرزندم مادرم برایش ایجاد ماحمت می کرد تا مدت عقد موقت با او را تمدید کنم. دیگر از این وضعیت بیزار شده بودم و پیامی برایش گذاشتم که به زودی ۵۰ میلیون بدهکاری ای را بازمی گردانم و سپس شبانه آن خانه اجاره ای را تخلیه کردم و به عقد رضا در آمدم اما فرزند سایه

از تنهایی و بی کسی در بهزستی نجات داده بود و حالا من دختری با هویت بودم. بالاخره همین موضوع اختلافات بین من و محمد را شدت بخشید تا این که به ناچار راهی دادگاه خانواده شدیم و مدتی بعد مهر طلاق سرتنوشت ما را از یکدیگر جدا کرد. بعد از این ماجرا مجبور بودم برای هزینه های زندگی و درمان مادرم در خارج از خانه کار کنم. به دلیل این که ساعات های زیادی را در آرایشگاه زانه سپری می کردم، مدام نگران مادرم می شدم که خدای ناخواسته حادثه ای برایش رخ ندهد این بود که چند روز مادرم را به یکی از همسایگان سپردم تا در نبود من از او مراقبت کند. وقتی آن خانواده در جریان مشکل من قرار گرفتند مرد همسایه تلاش کرده به من کمک کند. «فرزند» مرا با خود و او را به محل کار می ساند یا برای معالجه مادرم همراهی ام می کرد. «فرزند» که آرام آرام به من نزدیک شده بود، روزی پیشنهاد داد برای آن که در تامین هزینه های زندگی، اجاره منزل و معالجه مادرم بتواند به من کمک کند، برای مدتی به عقد موقت او در بیایم. ابتدا خواسته اش را رد کردم و گفتم خودم می توانم مخارج زندگی ام را تامین کنم اما مرد همسایه دست بردار نبود و مدام برایم پیامک های

رنگین کمان عشق را با خودم به هر سو می کشاندم اما همه این خوشبینی هادر هجدهمین بهار زندگی ام به خاکستر یاس تبدیل شد و سرتنوشت به سیاهی و بدبختی گره خورد چرا که در یک روز بارانی پدرم در یک حادثه رانندگی وحشتناک در دم جان باخت و مادرم نیز قطع نخاع شد و روی ویلچر نشست. این حادثه دلخراش هنگامی رخ داد که من به تازگی به عقد پسر یکی از هم محله ای هایم در آمده بودم. با وجود این، باید بسیاری از امور شخصی مادرم را انجام می دادم و از او در بستر بیماری مراقبت می کردم. در این شرایط نامردم از من خواست برای آغاز زندگی مشترک مادرم را به خانه سالمندان بسیاریم چرا که او اجازه نمی داد مادر ویلچر نشینم در کنار ما زندگی کند. بر سر دوراهی سختی مانده بودم و نمی توانستم مادرم را به خانه سالمندان بسیاریم چرا که او سال ها با عشق و محبت سیراب نشدنی از من مراقبت کرده بود. بسا آن که مرا به دنیا نیاورده بود اما حتی زمانی که تب می کردم او تا صبح بر بالینم می نشست و آرام اشک می ریخت. حالا من چگونه می توانستم اشک های او را نظاره گر باشم. او مرا

گروه حوادث – اگر چه مرد همسایه حدود ۵۰ میلیون تومان از من طلبکار است اما اکنون ۲۰۰ میلیون تومان سفته ای را که بابت پشتوانه بدهکاری ام به او داده بودم به اجرا گذاشته است تا از این طریق مرا تحت فشار قرار دهد که به عقد موقت او در بیایم اما. این هابخشی از اظهارات زن ۳۲ ساله ای است که به اتهام کلاهبرداری توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده بود. این زن جوان در حالی که بیان می کرد با دیدن شاکي شوکه شده ام، درباره ماجرای بدهکاری اش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سجاد مشهد گفت: از روزی که چشم باز کردم، خودم را در بهزستی دیدم و از این که پدر و مادرم چه کسانی هستند، هیچ اطلاعی ندارم. در واقع من در یک دنیای دیگر و در میان کودکانی شبیه خودم بودم و از دنیای بیرون بهزستی چیزی نمی دانستم تا این که روزی زوج جوانی سرپرستی مرا پذیرفتند و من تنها فرزند آن ها شدم. روزهای شکوفه باران شده بود و پدر و مادرم برای خوشبختی من هر کاری می کردند. از این که مهر و عاطفه خانواده را با همه وجودم حس می کردم، در پوست خودم نمی گنجیدم. انگار شبیه یک قاصدک آزاد شده بودم

قتل شرور جنوب تهران با ۱۷ ضربه تبر



گسروه حوادث – مجرم سابقه دار که در درگیری بر سر سر کبری خوانی در اینستاگرام ۱۷ ضربه تبر دست به جنایتی فجیع زده بود در دادگاه محاکمه می شود. قتل در جنوب تهران رخ داد. در این جنایت یک نفر به قتل رسید. عامل قتل در جنوب تهران دستگیر شد. این قتل به خاطر کبری خوانی در اینستاگرام رخ داد. رسیدگی به پرونده قتل در دادگاه آغاز شد. در ادامه بیشتر از قتل در جنوب تهران بخوانید. رسیدگی به این پرونده به دنبال وقوع درگیری دسته جمعی میان چند اوایش در جنوب تهران آغاز شد. در آن درگیری که با عریه کشی ادامه داشت مهرداد ۲۷ ساله که سابقه کیفری داشت با تبر به سمت یکی از اویش رفت و مهدی را هدف ضربات تبر قرار داد و پسر جوان غرق خون روی زمین افتاد. شاهدان بلافاصله با اورژانس تماس گرفتند و امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند اما تیم پزشکی پس از معاینه مهدی اعلام کرد وی به خاطر بردگی چند شریانه اصلی و حیاتی در دم جان سپرده است. جسد مهدی با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مهرداد به عنوان عامل جنایت بازداشت شد. مهرداد که چند سابقه کیفری در پرونده اش داشت به درگیری با مهدی به خاطر کبری خوانی در اینستاگرام اعتراف کرد. در این میان همسر مهدی چند استوری را به پلیس ارائه داد که نشان می داد همسرش از سوی مهرداد در فضای مجازی چند بار تهدید به قتل شده بود. مهرداد تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: مدتی بود مهدی با دوست صمیمی ام به نام فراد درگیر شده و آنها قیلا چند بار با هم دعوا کرده بودند. تا اینکه من به طر فداری از دوست صمیمی ام در فضای اینستاگرام چند استوری گذاشتم. من می خواستم مهدی را اذیت کنم به همین خاطر در استوری های اینستاگرام کبری خوانی کردم و مهدی را مخاطب قرار دادم و به او گفتم: تو زندان رفتی و ادعای گنده لاتی داری. اما جرات نداری با من رویه رو بشوی. این متهم در تشریح جزئیات درگیری ادامه داد: چند روز از این استوری ها گذشته بود که دوست هایم با من تماس گرفتند و گفتند مهدی قصد دارد برای درگیری سراغم بیاید. من در محل بودم که بیکاره با مهدی رویه رو شدم. او دستهایش را با زره پوشانده و همراه خودش چند شمشیر و قمه داشت. او به سمت حمله کرد و من برای دفاع از خودم تبری را که پسر عموم در دست

پنج روز جسد داخل حمام بود که شوهرم اعلام مفقودی کرد و از آن روز به بعد با تلفن همراه همراهم قتل به شوهرم پیام می دادم که شهرام را روبرو دیدم و با این صحنه سازی می خواستم همه را فریب دهم. در نهایت یک شب که شوهرم در خانه نبود جسد را به داخل حیاط بردم و داخل گونی پیچاندم و بعد از کارتن خوابی کمک خواستم و به او گفتم که این گونی اشغال را با من کمک کند تا به سطل زباله منتقل کنیم و او هم کمک کرد و گونی را کشان کشان به کنار سطل زباله بردیم و کارتن خواب هم با گرفتن دستم از آنجا رفت. متهم پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر و مشخص شدن ادعایش در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

قتل پسر تهرانی به دست مادر خوانده اش؛

کردند، اما آن ها مدعی شدند که مقتول ۱۱ روز قبل ناپدید شده و اعلام مفقودی کرده اند و احتمال می دهند کسی او را به قتل رسانده و با صحنه سازی ر خون برای آن ها پاپوش درست کرده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس به دستور باز پرس جنایی پدر و مادر خوانده مقتول را به عنوان مظنونان حادثه بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. دو متهم در بازجویی ها همدان حرف های قبلی را تکرار می کردند و مدعی بودند که در قتل شهرام دست نداشته اند، اما سرانجام روز چهارشنبه ۱۵ دی ماه پس از گذشت ۱۰ روز از حادثه نامادری در دادسرای امور جنایی تهران به قتل فرزندخوانده اش اعتراف کرد.

گروه حوادث – زن میانسال پس از قتل فرزند خوانده اش برای صحنه سازی با کوشی مقتول برای شوهرش پیامک ارسال می کرد که در جریان تحقیقات پلیس رازش بر ملا شد و به جنایت اعتراف کرد. باامداد روز یکشنبه پنجمی ماه رفتارنگران شاردی در یکی از خیابان های منطقه مشیره به با جسم مشکوک گونی پیچی کنار سطل زباله مواجه شدند که آثار خون در آن نمایان بود، بنابراین موضوع را به اداره پلیس خبر دادند. با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران کلانتری مشیره راهی محل شدند که پس از باز کردن در گونی جسد مرد جوانی را مشاهده کردند که با ضربات جسم سختی به سرش و ضربات جسم تیزی به گرنش به قتل رسیده بود. بدین ترتیب با کشف جسد پسر جوان قاضی محمدتقی شعبانی، باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

در حالی که بررسی ها حکایت از آن داشت مقتول هیچ مدرک شناسایی همراه ندارد، باز پرس جنایی متوجه رد خونی شد که نشان می داد فردی جسد گونی پیچ شده را از محلی در آن نزدیکی روی زمین کشیده و به این محل منتقل کرده است. تیم جنایی با گرفتن رد خون به خانه سطله قدیمی رسیدند که در یافتن خانه متعلق به پدر مقتول است و مقتول هم که پسر ۲۲ ساله ای به نام شهرام است در آن ساختمان همراه پدر، نامادری و خواهر ناتنی اش زندگی می کرده است. بازداشت پدر و مادر خوانده



قاتل در توضیح ماجرا در ادعایی گفت: چند سال قبل با پدر شهرام از دواچ کردم و از آن زمان به بعد شهرام هم با مادر طبقه سوم زندگی می کرد. او مدتی بود که از من خوشش نمی آمد و تهدید می کرد که از پدرش جدا شوم، اما به خاطر شوهرم او را تحمل می کردم. چندی قبل زمانی که من از حمام بیرون آمده بودم و لباس می پوشیدم او مخفیانه از من فیلم گرفته بود و بعد از آن تهدید می کرد که اگر از زندگی پدرش بیرون نروم فیلمم را در فضای مجازی پخش می کند. او در کارگاه خیاطی کار می کرد و روز حادثه فکر کردم به محل کارش رفته است. برای برداشتن خشکبار به طبقه سوم رفتم که دیدم در حال تماشای همان فیلم مخفیانه است. آنقدر عصبانی شده بودم که میله آهنی برداشتم و ضربهای به سرش زدم که روی زمین افتاد. می خواستم هر طوری شده از تهدیدهای او خلاص شوم که چاقویی برداشتم و چند ضربه هم به گردنش زدم. پس از آن جسد را به داخل حمام بردم و مخفی کردم. پیامک از دیار باقی

قاتل در توضیح ماجرا در ادعایی گفت: چند سال قبل با پدر شهرام از دواچ کردم و از آن زمان به بعد شهرام هم با مادر طبقه سوم زندگی می کرد. او مدتی بود که از من خوشش نمی آمد و تهدید می کرد که از پدرش جدا شوم، اما به خاطر شوهرم او را تحمل می کردم. چندی قبل زمانی که من از حمام بیرون آمده بودم و لباس می پوشیدم او مخفیانه از من فیلم گرفته بود و بعد از آن تهدید می کرد که اگر از زندگی پدرش بیرون نروم فیلمم را در فضای مجازی پخش می کند. او در کارگاه خیاطی کار می کرد و روز حادثه فکر کردم به محل کارش رفته است. برای برداشتن خشکبار به طبقه سوم رفتم که دیدم در حال تماشای همان فیلم مخفیانه است. آنقدر عصبانی شده بودم که میله آهنی برداشتم و ضربهای به سرش زدم که روی زمین افتاد. می خواستم هر طوری شده از تهدیدهای او خلاص شوم که چاقویی برداشتم و چند ضربه هم به گردنش زدم. پس از آن جسد را به داخل حمام بردم و مخفی کردم. پیامک از دیار باقی

آثار به جامانده از رد خون داخل حیاط حکایت از آن داشت که مقتول داخل خانه خودش به قتل رسیده است و بنابراین تیم جنایی در نخستین گام از پدر و مادر خوانده شهرام تحقیق

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ – ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری

استخدام

نیروی خدماتی (خانم، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

حمل بار

حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

جویای کار

آقا ۳۰ ساله جویای کار حراست، خدماتی و... آماده همکاری با شرکت ها می باشد. ۰۹۳۳۶۸۴۸۵۱۳

مشاور ملکی

مشاور امین ملکی شما
در جزیره کیش املاک امروز ۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰

مشاور امور ملکی و سرمایه گذاری در جزیره زیبای کیش
۰۹۳۴۷۶۸۱۰۶۹

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ – ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

به یک نفر کارشناس HSE با داشتن مدرک مرتبط و سر آشپز غذای سنتی آقا دارای مدرک آشپزی جهت فعالیت در رستوران سنتی نیازمندیم .

ساعات تماس : ۱۰ الی ۱۸
شماره تماس : ۰۹۳۶۱۳۱۱۰۰۳
آقای رهبر

منشی شیفت بعداز ظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش
روزنامه